



۱۳۷۱.۹.۲.۱۲۷۷۷



دانشکده مدیریت و اقتصاد

بخش اقتصاد

پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی

---

بررسی پدیده بیکاری در چارچوب مدل کینزی جدید در ایران

---

استاد راهنما:

دکتر شهرام گلستانی

استاد مشاور:

دکتر حسین اکبری فرد

مؤلف:

محمد محمد میرزایی

۱۳۸۹ / ۳ / ۱۷

کتابخانه اساتید دانشکده مدیریت و اقتصاد  
شیراز

دی ۱۳۸۸

۱۳۷۱۰۶



دانشگاه شهید باهنر کرمان

این پایان نامه به عنوان یکی از شرایط اخراز درجه کارشناسی ارشد به

بخش اقتصاد

دانشکده مدیریت و اقتصاد

دانشگاه شهید باهنر کرمان

تسلیم شده است و هیچ گونه مدرکی به عنوان فراغت از تحصیل دوره شناخته نمی شود.

دانشجو: محمد محمد میرزایی

استاد راهنما: دکتر شهرام گلستانی

استاد مشاور: دکتر حسین اکبری فرد

استاد داور: دکتر حمیدرضا حری

معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی یا نماینده دانشکده، دکتر امید پورحیدری

حق محفوظ و مخصوص به دانشگاه است.

این رساله در جلسه مورخ ۲۸، ۱۰، ۱۳۸۸ هیأت رسیدگی

با درجه ونمره عالی و ۱۹ از نوزده (۱۹) به تصویب رسید و تصدیق



دانشگاه شهید باهنر  
کرمان  
اداره تحصیلات تکمیلی

تقدیم به

پدر ، مادر و همسر

و آنانکه:

پیش از آنکه قادر به "گفتن" باشم

به "ناگفته های" درونم گوش سپردند ...

آنانکه می دانند سرمایه های ماورایی هر انسانی حرفهایی است که برای "نگفتن" دارد.

## تقدیر و تشکر

سپاس خداوندی را که در خرد آرمیده است.

خداوندی که :

اگر تنها ترین تنها ها شوم

باز او هست ...

او جانشین همه‌ی نداشتن هاست ...

و سپاس آنان را که در گردآوری این مجموعه یاریم کردند :

همسرم که صبورانه خستگی هایم را در خود جای داد و مهربانانه مشوقم بود.

و استاد ارجمندم جناب آقای دکتر گلستانی که دلسوزانه در تمام مسیر همراهیم کردند و همچنین از اساتید

محترم دکتر اکبری، دکتر حری، دکتر شکیبایی، دکتر جلایی و دکتر مهربانی که در تمام مراحل تحصیل

یاریم نموده اند صمیمانه کمال تشکر را دارم.

## چکیده

تبادل میان بیکاری و تورم که از دیرباز تحت عنوان منحنی فیلیپس معروف است، از موارد مناقشه میان مکاتب اقتصادی است. هدف اصلی در این تحقیق، بررسی پدیده بیکاری تحت دیدگاه کینزی جدید در اقتصاد ایران است. در این تحقیق ما منحنی فیلیپس و شکاف تولید را برای ایران بین سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۴۵ تخمین می‌زنیم. بدین منظور از روش سری زمانی مبتنی بر تکنیک VAR و روش ساختاری (SVAR) استفاده شده است. نتایج حاصله حاکی از تأیید نظریه انتظارات تطبیقی است و نشان می‌دهد که منحنی فیلیپس در اقتصاد ایران با در نظر گرفتن انتظارات تطبیقی در کوتاه‌مدت دارای شیب منفی است و در بلندمدت هیچ ارتباطی بین تورم و بیکاری وجود ندارد. از طرفی نتایج حاصل از شکاف تولید بیانگر آن است که اقتصاد ایران حول و حوش رشد روندی نوسان می‌کند و همچنین نشان می‌دهد که میزان نوسانات در سال‌های اخیر کاهش یافته که این امر نشان دهنده افزایش ثبات اقتصادی ایران است.

واژگان کلیدی: منحنی فیلیپس، تورم، بیکاری، شکاف تولید، انتظارات تطبیقی، انتظارات عقلایی.

# فهرست مطالب

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱	مقدمه	۱
۱-۲	بیان مسئله تحقیق	۱
۱-۳	اهمیت موضوع	۳
۱-۴	پرسش های تحقیق	۴
۱-۵	اهداف تحقیق	۴
۱-۶	فرضیه های تحقیق	۴
۱-۷	تعاریف و مفاهیم	۴
۱-۷-۱	منحنی فیلیپس	۴
۱-۷-۲	بیکاری	۵
۱-۷-۳	تورم	۵
۱-۸	فصل بندی مطالعه	۶

### فصل دوم: مبانی نظری و مروری بر مطالعات انجام شده

۱-۲	مقدمه	۸
۲-۲	سابقه تاریخی منحنی فیلیپس	۸
۳-۲	منحنی فیلیپس اولیه	۹
۴-۲	گذر از رابطه تغییر دستمزد به رابطه تغییر قیمت	۱۰
۵-۲	نظریه بیکاری طبیعی و منحنی فیلیپس	۱۱
۶-۲	برآورد نرخ بیکاری طبیعی	۱۲
۷-۲	شکل گیری انتظارات و نرخ تورم انتظاری	۱۳



- ۸-۲ دیدگاه کینزی‌های جدید در ارتباط با منحنی فیلیس ..... ۱۶
- ۹-۲ مروری بر پیشنهاد مطالعات انجام شده تحقیق ..... ۲۲
- ۱-۹-۲ مطالعات انجام شده در خارج از کشور ..... ۲۲
- ۲-۹-۲ مطالعات انجام شده در داخل کشور ..... ۲۶

### فصل سوم: تصریح مدل و انتخاب الگوی مناسب

- ۱-۳ مقدمه ..... ۳۲
- ۲-۳ ساختار مدل ..... ۳۲
- ۳-۳ مدل‌سازی نرخ بیکاری همراه با تورم غیرشتابنده در طول زمان ..... ۳۵
- ۴-۳ مدل و روش شناسی ..... ۳۷
- ۵-۳ شکاف تولید ..... ۳۸
- ۱-۵-۳ تولید ناخالص داخلی بالقوه ..... ۳۹
- ۲-۵-۳ محاسبه شکاف تولید ..... ۴۰

### فصل چهارم: تجزیه و تحلیل و ارائه نتایج

- ۱-۴ مقدمه ..... ۴۳
- ۲-۴ پایه‌های آماری و روش تحقیق ..... ۴۳
- ۳-۴ آزمون پایایی متغیرها ..... ۴۳
- ۴-۴ تعیین وقفه بهینه براساس معیارهای اطلاعاتی آکایک و شوارتز بیزین ..... ۴۵
- ۵-۴ فرضیات تحقیق ..... ۴۷
- ۶-۴ آزمون فرضیات ..... ۴۷
- ۱-۶-۴ فرضیه اول ..... ۴۷
- ۱-۱-۶-۴ مدل مورد استفاده ..... ۴۷
- ۲-۱-۶-۴ برآورد مدل ..... ۴۷
- ۳-۱-۶-۴ تفسیر نتایج مدل ..... ۴۸
- ۲-۶-۴ فرضیه دوم ..... ۴۸
- ۱-۲-۶-۴ مدل مورد استفاده ..... ۴۹
- ۲-۲-۶-۴ برآورد مدل ..... ۴۹

۵۰.....	۳-۲-۶-۴ تفسیر نتایج مدل.....
۵۱.....	۳-۶-۴ فرضیه سوم.....
۵۱.....	۱-۳-۶-۴ مدل مورد استفاده.....
۵۱.....	۲-۳-۶-۴ برآورد مدل.....
۵۱.....	۳-۳-۶-۴ تفسیر نتایج مدل.....

### فصل پنجم: نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات

۵۴.....	۱-۵ مقدمه.....
۵۴.....	۲-۵ جمع بندی و نتیجه گیری.....
۵۷.....	۳-۵ پیشنهادات.....
۵۸.....	۴-۵ پیشنهاد مطالعات آتی.....
۶۶.....	منابع و مآخذ.....

## فهرست جداول

- جدول ۱-۴ نتایج آزمون ریشه واحد متغیرها..... ۴۴
- جدول ۲-۴ مقادیر SBC و AIC برای فرضیه اول..... ۴۵
- جدول ۳-۴ مقادیر SBC و AIC برای فرضیه دوم..... ۴۶

## فهرست پیوست‌ها

- پیوست (۱) نتایج برآورد مدل VAR فرضیه اول با وقفه سه..... ۵۹
- پیوست (۲) نتایج برآورد مدل VAR فرضیه اول با وقفه یک..... ۶۰
- پیوست (۳) نتایج برآورد مدل VAR فرضیه دوم با وقفه دو..... ۶۱
- پیوست (۴) نتایج برآورد مدل VAR فرضیه دوم با وقفه یک..... ۶۲
- پیوست (۵) آمار مربوط به برآورد متغیرهای تولید ناخالص داخلی بالقوه و شکاف تولید..... ۶۳
- پیوست (۶) نتایج برآورد مدل VAR فرضیه سوم..... ۶۴
- پیوست (۷) نتایج آزمون همگرایی یوهانسن بین متغیرهای تولید ناخالص داخلی و تورم..... ۶۵

## پیشگفتار

با نگاهی کوتاه در ادبیات جدید اقتصادی، به این نکته حائز اهمیت می‌رسیم که تورم و بیکاری نقش مهمی در عرصه اقتصاد داشته‌اند و در ایران دو معضل بیکاری و تورم همواره باعث به وجود آمدن مشکلات در اقتصاد و جامعه گردیده‌اند. نگاه به پدیده بیکاری، ملاک مناسبی برای سنجش وضعیت ساز و کار میان ارکان اساسی اقتصاد یک کشور است و هنگامی که نرخ بیکاری از حد خاصی فراتر می‌رود، به سادگی می‌توان دریافت که بخش‌های مختلف اقتصاد دچار ناکارآمدی و کارکرد نامناسب است.

مهمترین و پرسابقه‌ترین تئوری مرتبط با بیکاری و چگونگی برخورد با آن در منحنی فیلیپس نهفته است. نگرش منحنی فیلیپس در سال ۱۹۵۸ میلادی با کشف رابطه معنی‌داری بین نرخ تورم و نرخ بیکاری در انگلستان توسط آ. دیلو. فیلیپس<sup>۱</sup> آغاز شد و به سرعت مورد استقبال دیگر اقتصاددانان کینزی قرار گرفت. بر اساس این دیدگاه رابطه میان تورم و بیکاری معکوس و با ثبات است.

بعد از طرح این نظریه، مهمترین گام در جهت ارائه زمینه نظری مناسب برای فیلیپس توسط لیپسی<sup>۲</sup> برداشته شد. لیپسی نظریه منحنی فیلیپس را از تئوری سنتی "تغییرات قیمت" در بازارها استخراج نمود که بر اساس آن در شرایط اضافه تقاضا، قیمت‌ها افزایش و در شرایط اضافه عرضه، قیمت‌ها کاهش می‌یابند به علاوه او فرض نمود که هر چه بازارها از تعادل دورتر باشند نرخ تغییرات بیشتر خواهد بود.

بعد از فریدمن و فیلیپس، مکتب کلاسیک‌های جدید بر اصولی همچون انتظارات عقلایی، نرخ طبیعی بیکاری و شفافیت مداوم بازارها و عرضه کل تأکید داشت. براساس این مکتب، سیاست‌های اقتصادی نظیر سیاست‌های طرف تقاضا، حتی در کوتاه‌مدت نیز بی‌تأثیراند.

بعد از آن کینزی‌های جدید، با تکیه بر مواردی همچون ناقص بودن بازارها، وجود اتحادیه‌های کارگری، هزینه لیست قیمت و... نشان دادند که حتی تحت شکل‌گیری انتظارات به صورت عقلایی نیز منحنی فیلیپس هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت دارای شیب منفی بوده به طوری که این منحنی در بلندمدت عمودی‌تر از کوتاه‌مدت خواهد بود.

این تحقیق کوششی جهت شناسایی روابط دقیق پدیده‌های فوق در کوتاه‌مدت و بلندمدت در ایران می‌باشد. برای این منظور در فصل اول به بیان مسئله تحقیق، اهداف و فرضیه‌های تحقیق می‌پردازیم. فصل دوم به ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق اختصاص دارد. در فصل سوم تصریح مدل و ساختار مدل ارائه می‌گردد. در فصل چهارم نتایج تجربی حاصل از برآورد مدل بررسی می‌شود. در پایان نتیجه‌گیری و پیشنهادات پایان نامه مطرح می‌شود.

<sup>۱</sup> A.W. Phillips.

<sup>۲</sup> Lipsy.

فصل اول  
کلیات تحقیق

بحث تبادل میان تورم و بیکاری، از مباحث عمده اقتصاد کلان است و همواره ارتباط بین دو پدیده تورم و بیکاری جنجال بر انگیز بوده است. بررسی رابطه بین تورم و بیکاری می‌تواند سیاست‌گذاران و اقتصاددانان را در بررسی عملکرد اقتصادی یاری دهد چرا که عملکرد هر اقتصادی با سه معیار کلی میزان تورم، بیکاری و رشد اقتصادی مورد قضاوت قرار می‌گیرد و در عصر حاضر که اکثر اقتصادها از تورم و بیکاری رنج می‌برند کوشش برای شناسایی روابط دقیق آنها از اهمیت خاصی در کشور برخوردار است.

### ۱-۲ بیان مسئله تحقیق

بیکاری یکی از پدیده‌های نامطلوب اقتصادی است که پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... فراوانی به دنبال دارد. این معضل تقریباً همه کشورهای جهان را به خود مشغول کرده است. مهمترین و پرسابقه‌ترین تئوری مرتبط با بیکاری و چگونگی برخورد با آن در منحنی فیلیپس نهفته است. نگرش منحنی فیلیپس در سال ۱۹۸۵ میلادی با کشف رابطه معنی‌داری بین نرخ تورم (دستمزدهای پولی) و نرخ بیکاری در انگلستان توسط آ.دیلو.فیلیپس<sup>۱</sup> آغاز شد. وی استدلال خود را بر مبنای عرضه و تقاضا در بازار استوار کرده است. فیلیپس استدلال می‌کند که وجود اضافه تقاضا در بازار انتظار افزایش قیمت‌ها را قوت می‌بخشد، سپس بر اثر این افزایش معقول خواهد بود که دستمزدهای پولی افزایش یافته و سپس بیکاری به طور معکوس تحت تاثیر قرار گیرد. از همان زمان مفهوم منحنی فیلیپس همواره یک بخش مهم از ادبیات اقتصاد کلان بوده است.

منحنی فیلیپس اولیه ابتدا با چاپ مقاله‌ای از سوی فیلیپس عنوان شد و به سرعت مورد استقبال دیگر اقتصاددانان کینزی قرار گرفت. بر اساس این دیدگاه رابطه میان تورم و بیکاری معکوس و با ثبات است. بر اساس این دیدگاه سیاست‌گذاران می‌توانند از طریق سیاست‌های طرف تقاضا، سطح قیمت‌ها را افزایش دهند، که در این صورت با سطح بیکاری پائین‌تری روبرو خواهیم بود.

مکتب کلاسیک‌های جدید بر اصولی همچون انتظارات عقلایی، نرخ طبیعی بیکاری و شفافیت مداوم بازارها و عرضه کل تأکید دارد. بر اساس این مکتب، سیاست‌های اقتصادی نظیر سیاست‌های طرف تقاضا، حتی در کوتاه‌مدت نیز بی‌تأثیراند.

<sup>۱</sup> -Phillips

زمانی که دیدگاه انتظارات عقلایی توسط میوث<sup>۱</sup> مطرح شد و به وسیله رهبران کلاسیک‌های جدید همچون لوکاس<sup>۲</sup> وارد مدل‌های اقتصاد کلان شد و به عنوان یک شیوه شکل‌گیری انتظارات در متون اقتصادی جا باز کرد، بسیاری تصور می‌کردند که منحنی فیلیپس معنا و مفهوم خود را از دست داده‌است زیرا دیگر نه در کوتاه‌مدت و نه در بلندمدت ارتباطی بین بیکاری و تورم وجود ندارد. اما پیدایش مکتب کینزی‌های جدید مجدداً احیاگر منحنی فیلیپس و وجود ارتباط کوتاه‌مدت و نیز بلندمدت بین بیکاری و تورم گردید. به بیان دیگر، کینزی‌های جدید نظیر بارو<sup>۳</sup>، گوردن<sup>۴</sup>، منکیو<sup>۵</sup> و لیون هافوود<sup>۶</sup> با تکیه بر مواردی همچون ناقص بودن بازارها، وجود اتحادیه‌های کارگری، هزینه لیست قیمت و... نشان دادند که حتی تحت شکل‌گیری انتظارات به صورت عقلایی نیز منحنی فیلیپس هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت دارای شیب منفی بوده به طوری که این منحنی در بلندمدت عمودی‌تر از کوتاه‌مدت خواهد بود.

براساس این نظریه، واحدهای اقتصادی با استفاده از تجربیات قبلی و تمام اطلاعات موجود، انتظارات را به بهترین وجه ممکن شکل می‌دهند. در نظریه انتظارات عقلایی، بر خلاف نظریه انتظارات تطبیقی که دیدگاه توهم پولی در کوتاه‌مدت را تشکیل می‌داد، مردم مرتکب اشتباهات سیستماتیک نشده و در صورت بروز انحراف و اشتباه در کوتاه‌ترین زمان ممکن آن را برطرف خواهند کرد.

بنا به دیدگاه کینزی‌های جدید، بحث انتظارات عقلایی که منجر به منحنی فیلیپس عمودی می‌گردد، تنها با این فرض تحقق می‌یابد که بازار، یک بازار رقابت کامل باشد و اگر این فرض نقض گردد، رسیدن به منحنی فیلیپس عمودی در گیر و دار اما و اگرهای بسیار زیادی گرفتار خواهد شد و از آنجایی که در دنیای واقعی بازار رقابت کامل وجود ندارد، این گروه از اقتصاددانان استدلال می‌کنند که منحنی فیلیپس عمودی نیز وجود ندارد. با فرض انتظارات عقلایی، شوک‌های ناشی از سیاست‌های پولی و یا مالی تنها هنگامی موفق به کاهش بیکاری خواهند شد که غیرقابل پیش‌بینی باشند که این مسئله نیز شکلی کوتاه‌مدت دارد اما در شرایطی که سیاست‌ها از قبل اعلام شده و قابل پیش‌بینی باشند، منحنی فیلیپس در کوتاه‌مدت همانند بلندمدت عمودی خواهد بود، که خود به منزله بی‌ارتباط بودن متغیرهای حقیقی و متغیرهای پولی است.

از دیدگاه مکتب کینزی‌های جدید، حرکت کورمال بنگاه‌ها تعدیل سریع قیمت‌ها را غیرممکن ساخته و موجب می‌گردد که حتی در بلندمدت نیز تعدیل کامل در قیمت‌ها صورت نگیرد. چسبندگی‌های موجود در بازار کار نیز مازاد بر علت می‌شوند و فرایند تعدیل را طولانی‌تر می‌کند. به علاوه، کینزی‌های جدید معتقدند که در دنیای واقعی درجاتی از توهم پولی وجود دارد و در حقیقت کارگران متوجه می‌شوند که باید دستمزد خود را افزایش

<sup>۱</sup> -John Muth.

<sup>۲</sup> -R.E.Lucas.

<sup>۳</sup> -Robert Barro.

<sup>۴</sup> -David Gordon.

<sup>۵</sup> -Gregory Mankiw.

<sup>۶</sup> -A.Leijonhufvud.

دهند، اما اینکه تا چه حد، بستگی به انتظارات آنها دارد. مسائلی همچون تحلیل غلط از بازار، فقدان قدرت تحلیل، هزینه جستجوی اطلاعات و تشخیص میزان تاثیرپذیری از دنیای خارج معمولا سبب می‌شود که فرایند تعدیل به طور کامل انجام نگیرد.

بر این اساس، در چند سال اخیر مطالعات بسیار گسترده‌ای در ارتباط با آزمون نظریه کینزی جدید در سرتاسر جهان به انجام رسیده است. عمدتاً این مطالعات در مورد کشورهای توسعه یافته انجام پذیرفته است. مطالعات در زمینه به کارگیری این مدل در ارتباط با کشورهای در حال توسعه که فاصله زیادی از رشد روندی دارند و با شدت و ضعف متفاوت درگیر رکود تورمی می‌باشند بسیار محدود است. با این وجود شاخه‌ای از این مطالعات به کشورهای در حال توسعه اختصاص یافته، اما همواره این سؤال مهم به ذهن می‌رسد که آیا به کارگیری نظریه کینزی‌های جدید در ارتباط با این گروه از کشورها تناسب دارد یا خیر (از دیدگاه شکاف تولیدی و شکل‌گیری انتظارات به صورت عقلانی).

### ۱-۳ اهمیت موضوع

بیکاری را می‌توان یکی از هراس‌آورترین مشکلات اقتصاد یک کشور دانست و بی‌گمان ریشه بسیاری از معضلات اجتماعی و حتی سیاسی را نیز، باید در همین عارضه ملی جست و جو کرد. شکی نیست که افزایش اشتغال و بیکاری یکی از بارزترین اهداف برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران اقتصادی کشور محسوب می‌شود.

نگاه به پدیده بیکاری، ملاک مناسبی برای سنجش وضعیت ساز و کار میان ارکان اساسی اقتصاد یک کشور است و هنگامی که نرخ بیکاری از حد خاصی فراتر می‌رود، به سادگی می‌توان دریافت که بخش‌های مختلف اقتصاد دچار ناکارآمدی و کارکرد نامناسب است و بدین ترتیب، راه حل اساسی و منطقی برطرف کردن مشکل بیکاری در کشوری همچون ایران، سامان بخشیدن به وضعیت فروبسته ارکان مهم اقتصاد آن است.

به عبارت دیگر، از آن جا که یکی از روش‌های شناخت عملکرد اقتصاد توجه به آمار نرخ بیکاری و عوامل تاثیرگذار بر این متغیر است، افزایش نرخ بیکاری از جمله مسائلی است که عملکرد و کارکرد دستگاه‌های اقتصادی را زیر سؤال می‌برد و با توجه به نرخ بالای بیکاری در ایران و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این پدیده، ما می‌خواهیم به بررسی این پدیده در چارچوب مدل کینزی‌های جدید پردازیم تا شاید بتوانیم گامی موثر در کاهش بیکاری در ایران برداریم.



## ۱-۴ پرسش‌های تحقیق

- ۱- آیا شیوه شکل‌گیری انتظارات عقلایی را می‌توان در مورد ایران صادق دانست؟
- ۲- آیا اقتصاد ایران حول و حوش رشد روندی نوسان می‌کند یا خیر؟
- ۳- آیا می‌توان پدیده بیکاری را در ایران در چارچوب مدل کینزی جدید بیان کرد؟

## ۱-۵ اهداف تحقیق

کاهش بیکاری و رسیدن به یک سطح قابل قبول نرخ بیکاری یکی از اهدافی است که دولت‌ها برای دستیابی به آن تلاش زیادی می‌کنند و از آن جا که رسیدن به توسعه مطلوب تا حد زیادی تابع به کارگیری منابع انسانی است، لذا عدم بهره‌گیری مناسب و مطلوب از منابع انسانی به عدم استفاده از امکانات مادی جامعه منتج می‌شود. در نتیجه رشد و توسعه تحقق نمی‌پذیرد و به دنبال آن نرخ بیکاری بالاتر از نرخ معقول و منطقی خود خواهد بود و در نهایت فقر و محرومیت در جامعه گسترش می‌یابد. بنابراین با توجه به این مشکل می‌خواهیم با استفاده از مدل کینزی جدید پدیده بیکاری را در ایران بررسی کنیم.

## ۱-۶ فرضیه‌های تحقیق

- ۱- شیوه شکل‌گیری انتظارات عقلایی را می‌توان در مورد ایران صادق دانست.
- ۲- اقتصاد ایران حول و حوش رشد روندی نوسان می‌کند.
- ۳- می‌توان پدیده بیکاری را در ایران در چارچوب مدل کینزی جدید بیان کرد.

## ۱-۷ تعاریف و مفاهیم

### ۱-۷-۱ منحنی فیلیپس

منحنی فیلیپس در شکل اولیه آن یک منحنی است که رابطه معکوس بین نرخ رشد دستمزدها و نرخ بیکاری را نشان می‌دهد. منحنی فیلیپس در سال ۱۹۵۸ توسط اقتصاددان معروف بریتانیایی به نام فیلیپس معرفی شد و از آن زمان به بعد به عنوان یکی از موضوعات مورد مباحثه در اقتصاد کلان مطرح بوده است. منحنی فیلیپس بیان‌کننده

آن است که رابطه‌ای معکوس بین نرخ رشد دستمزدها و نرخ بیکاری یا بین نرخ تورم و نرخ بیکاری وجود دارد. به عبارت دیگر گفته می‌شود نوعی تبادل یا جانشینی بین تورم و بیکاری از منحنی فیلیپس نتیجه می‌شود، بدین معنی که به هنگام وجود شرایط رونق اقتصادی و افزایش تقاضای کل از بیکاری کاسته می‌شود و بر رشد قیمت‌ها و دستمزدها افزوده می‌شود و در شرایط رکود اقتصادی و کاهش تقاضای کل بر بیکاری افزوده می‌شود و در عین حال از رشد قیمت‌ها و دستمزدها کاسته شده یا حتی رشد آنها منفی می‌شود.

### ۱-۲-۲ بیکاری

منابع انسانی پایه اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهند، در واقع چگونگی روند توسعه اقتصادی و اجتماعی هر کشور را در نهایت منابع انسانی آن تعیین می‌کند. بدین جهت بهره‌برداری کامل و متناسب از منابع انسانی کشور باید به‌عنوان یکی از هدف‌های راهبردی توسعه در نظر گرفته شود در این راستا بیکاری بی‌گمان بزرگ‌ترین و فراگیرترین مشکل اقتصادی و حتی اجتماعی و سیاسی اواخر دهه حاضر و دهه‌های آینده است. در جامعه پیشرفته صنعتی هر چند بیکاری هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی زیادی را بر جامعه تحمیل می‌سازد، ولی در جهان سوم بیکاری‌های گسترده در پیوند با فقر اقتصادی می‌تواند خطرات بسیاری را متوجه جامعه نماید. بیکاری علاوه بر اینکه قطع درآمد گروه بیکاران را به‌دنبال دارد دارای تبعات اجتماعی مهم بوده و می‌تواند عامل تقویت و یا منشاء مفاسد اجتماعی باشد.

بیکاری از نظر مرکز آمار ایران عبارت است از کسانی که در زمان آمارگیری در جستجوی کار باشند، بنابراین بیکارانی که در تکاپوی کار برنمایند - به هرعلتی که باشد - بیکار قلمداد نمی‌شوند.

### ۱-۲-۳ تورم

تورم یکی از معضلات اساسی اقتصاد و جامعه در کشورهای مختلف به ویژه در کشورهای در حال توسعه است. نرخ تورم بالا می‌تواند اثرات نامطلوبی بر فرایند رشد و توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی داشته باشد. صرف نظر از جنبه اقتصادی تورم دارای اثرات و ابعاد سیاسی و اجتماعی فراوانی نیز می‌باشد زیرا تورم (همانند بیکاری) با زندگی فرد فرد جوامع انسانی ارتباط مستقیم و روزمره دارد و اغلب مردم چون باید در قبال افزایش دستمزدها و قیمت‌ها، تدابیر و اقدامات مناسبی اتخاذ نمایند به نحوی با تورم درگیر می‌شوند.

تورم در ادبیات اقتصادی دارای تعاریف متنوع و طبقه‌بندی‌های مختلف است لذا در کلی‌ترین بیان، تورم عبارت است از افزایش عمومی و مداوم سطح قیمت‌ها یا صعود خودافزای قیمت‌ها به مقدار زیاد.

مکاتب مختلف کلان اقتصادی هر کدام به نوعی علل تورم را بیان نموده‌اند. برای نمونه مکتب پولی، تورم را معلول رشد عرضه پول اسمی می‌داند و همچنین پیروان مکتب کینز تورم را ناشی از شکاف تورمی که ریشه در وضعیت موجود بازار کالا می‌باشد، مطرح می‌نماید.

#### ۱-۸ فصل بندی مطالعه

در فصل دوم ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق را بررسی می‌کنیم. فصل سوم به تصریح مدل و ساختار الگو می‌پردازد. در فصل چهارم نتایج تجربی حاصل از تخمین مدل مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. فصل پنجم نتیجه‌گیری و پیشنهادات پایان‌دهنده این پایان‌نامه است.

## فصل دوم

مبانی نظری و مروری بر مطالعات انجام شده